

اخلاق و فلسفه محیط زیست و ضرورت توجه به نقش آن در جهان امروز

سید محمدرضا علوی مقدم^۱ alavi@aut.ac.ir

اعظم قاسمی^۲ azam_ghasemi@yahoo.com

^۱ عضو هیات علمی دانشکده مهندسی عمران و محیط زیست، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران، ایران

^۲ پژوهشگر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

چکیده

یکی از مسائلی که در سال های اخیر مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است این است که علیرغم صرف هزینه های کلان برای پروژه های عظیم محیط زیستی نتایج چندان رضایت بخشی حاصل نمی شود. این موضوع متفکران را به این فکر رهنمون کرد که حل مسائل محیط زیستی جدای از امور فنی نیازمند رویکرد جدیدی شامل رویکردهای جامعه شناختی، اخلاقی، فلسفی و ... می باشد. اخلاق زیست محیطی شاخه جدیدی از مبحث اخلاق فلسفی است و در خصوص روابط اخلاقی بین انسانها و دنیای پیرامون آنها بحث می کند. هدف این مقاله، آشنا کردن متخصصان محیط زیست با دیدگاههای مختلف اخلاق و فلسفه محیط زیست در جهان امروز است. ضمن شرح مختصری از مکاتب مختلف اخلاقی به بیان مکاتب اخلاقی زیست محیطی مانند مکتب انسانمدارانه و خداپاورانه پرداخته می شود. در این میان لازم است متفکران کشور ما نیز با توجه به پیشینه های مذهبی و فرهنگی دیدگاههای اخلاقی و فلسفی خود را در خصوص محیط زیست ارائه دهند تا پروژه های مهندسی و محیط زیستی در عرصه عمل به نتیجه بهتری نائل شود. با توجه به ضرورت آشنایی مهندسان با مبانی اخلاقی و فلسفه زیست محیطی در دنیای امروز، در ادامه این مقاله به نقش کدهای اخلاقی مهندسی پرداخته شده است.

کلید واژه ها

اخلاق و فلسفه زیست محیطی، ارزشهای اخلاقی، کدهای اخلاقی، معضلات محیط زیست

مقدمه

بعد از رنسانس در اروپای قرن پانزدهم و با اقتدا به این آموزه ی دکارتی که "عقل بشر برای حل هر مشکلی کافی است، به شرط آن که روش صحیح به کار بردن عقل را بداند"، همت اروپاییان به این امر معطوف شد که به پیشرفتهای علمی و فن آوری در زمینه های مختلف بپردازند، و بحق در این زمینه روز به روز نسبت به گذشته به پیشرفتهای شگرف نائل آمدند. پیشرفت صنعتی علاوه بر فوائد مثبت و غیر قابل انکار برای بشر، مشکلاتی با خود به همراه آورد که می توان به برخی فجایع زیست محیطی در زمینه های مختلف: آلودگی آب، هوا، مواد زائد جامد و مواد زائد خطرناک اشاره کرد. امروزه، دیگر سخن بر سر پیشرفت صنعتی نیست، بلکه نحوه استفاده صحیح از این تکنولوژی به گونه ای که محیط زیست و در نتیجه حیات را به خطر نیندازد، مد نظر صاحب نظران است. لذا به تعبیری می توان گفت مشکلات محیط زیستی و حل آن در وهله اول مربوط به کشورهای صنعتی و پیشرفته می شود. البته این بدان معنا نیست که کشورهای در حال توسعه ابتدا باید مقلدانه همانند کشورهای توسعه یافته به پیشرفت صنعتی نائل شوند و در مرحله بعد به فکر راه حل برای مشکلات مربوط به آن باشند بلکه از همین ابتدا باید از تجربیات موجود در کشورهای دیگر بهره ببرند و صنعت خود را با در نظر گرفتن چنین مسائلی به پیش ببرند. چنین رویکردی در راستای توسعه پایدار است.

در بعضی از کشورها پیشرفت صنعتی باعث به وجود آمدن فجایعی زیست محیطی در زمینه های مختلف: آلودگی آب، هوا، مواد زائد جامد و مواد زائد خطرناک شده است. به عنوان نمونه آلودگی هوا در شهر لندن در سال ۱۹۵۲ باعث کشته شدن ۴۰۰۰ نفر شد. (۱) همچنین در سالهای اخیر، به خاطر رعایت نشدن مسائل زیست محیطی در بسیاری از کشورها، خصوصا در مورد دفع مواد زائد خطرناک در مناطق نامناسب و در نتیجه نشت آنها در محیط زیست، مشکلات عدیده ای به بار آمده است. اینگونه مسائل یا به خاطر فقدان قانون مناسب (خصوصا در مورد کشورهای در حال توسعه) و یا به سبب عدم رعایت قوانین بوده است. لذا متخصصان به این نتیجه رسیده اند که صرف وضع قانون کمک چندانی به حل این مشکلات نمی کند و راه صحیح تر این است که علاوه بر وضع قانون و نظارت بر حسن انجام آن، نگرش افراد در خصوص محیط زیست را اصلاح کرد. به عبارتی تفکر انسانها باید به گونه ای پرورش یابد که صرف نظر از مسائل اقتصادی، مولفه های زیست محیطی را هم در نظر بگیرند. این امر مستلزم گسترش آموزش در خصوص اخلاق و فلسفه زیست محیطی به عموم مردم است.

در بسیاری از کتابهای محیط زیست جدید، بویژه کتابهایی که در رابطه با مدیریت مواد زائد خطرناک نوشته شده است، با عناوینی چون اخلاق و فلسفه زیست محیطی برخورد می کنیم؛ چرا که مدیریت جامع و صحیح محیط زیست علاوه بر داشتن دیدگاههای فنی و مهندسی نیاز به توجهات قانونی، اجتماعی، سیاسی و البته اخلاقی دارد. (۲)

بسیاری از تهدید آمیزترین تغییرات زیست محیطی عمدا یا سهوا با عاملیت و به دست انسان صورت می پذیرد. مواردی مانند تغییر مسیر یا احداث سد بر رودخانه ها، بریدن درختان جنگلها برای مقاصد کشاورزی، آلوده شدن هوا، خاک و آب توسط فضولات صنعتی نمونه هایی از این تغییرات هستند. آنچه موضوعیت دارد این است که آیا یک تغییر خاص در محیط زیست تاثیر زیانباری بر انسانها یا موجودات دیگر می گذارد یا خیر؟ آیا انسان می تواند برای جلوگیری یا کاهش اثر آن قادر به انجام کاری است یا خیر؟ در اینگونه مسائل سه گونه سوال مطرح است: آیا تاثیرات مورد بحث واقعا زیانبارند؟ آیا می توانیم چه از طریق کنترل تغییرات و چه از طریق درمان اثرات آن، موثر باشیم؟ اگر جواب سوال دوم مثبت است، آیا به لحاظ اخلاقی مکلف به اقدام هستیم؟ (۳). پاسخگویی به این سوالات ساده نیست و جواب به این سوالات متناسب با دیدگاههای فلسفی افراد متفاوت خواهد بود.

هدف اصلی از ارائه این مقاله آشنا کردن متخصصان محیط زیست با دیدگاههای مختلف اخلاق و فلسفه محیط زیست در جهان امروز می باشد که در آن ضمن ارائه شرح مختصری از مکاتب مختلف اخلاقی به بیان مکاتب اخلاقی زیست محیطی ما نند مکتب انسانمدارانه، خداپاورانه، مسئولانه و مکاتب اصالت دهنده به حیات و بوم پرداخته می شود.

تعریف اخلاق و فلسفه زیست محیطی

علم اخلاق یک شاخه از فلسفه است که با "اخلاقیات" و "ارزشها" سر و کار دارد. "اخلاقیات" یعنی تمیز بین حق و باطل و "ارزشها"، ارزیابی نهایی افعال یا امورات. علم اخلاق روابط، قوانین، اصول یا کدهایی را که در رفتارهای معین مورد نیاز است یا منع می شود را ارزیابی می کند. بیشتر اخلاقیون غربی سوال مشهور سقراط و سایر فیلسوفان یونانی در ۲۵۰۰ سال قبل را در نظر می گیرند که: "زندگی خوب چیست؟ اگر ما بخواهیم رفتار اخلاقی داشته باشیم چگونه باید عمل کنیم؟" (۴) و (۵)

اخلاق زیست محیطی شاخه نسبتا جدیدی از مبحث اخلاق فلسفی است و در خصوص روابط اخلاقی بین انسانها و دنیای پیرامون آنها سوال می کند. یکی از مهمترین پرسشهای مطروحه در این شاخه از علم این است که آیا ارزش محیط زیست طبیعی به خاطر منفعتی است که برای ما انسانها دارند، یا آن که آنها دست کم از برخی جهات واجد ارزشی هستند متعالی و ذاتی فارغ از منفعت ما انسانها؟ پرسش دوم این است که ما در مقام انسان در خصوص ارتباطمان با سایر اجزای طبیعت چگونه باید بیندیشیم؟ (۵)

در این شاخه از علم، سوالات دیگری از این قبیل پاسخ داده می شود: آیا ما وظایف یا مسئولیتهایی در برابر انواع دیگر موجودات یا به طور کلی در برابر طبیعت داریم؟ آیا اصول اخلاقی تعیین می کنند که ما چگونه از منابع و محیط زیست اطرافمان بهره ببریم؟ اگر اینطور است اساس این اصول چیست و چه فرقی با اصول حاکم بر روابط ما با دیگر انسانها دارد؟ مسئولیتهای ما نسبت به طبیعت، چگونه با ارزشها و علایق بشری در تضاد می افتد؟ آیا این علایق یا ارزشها با سایر علایق انسان در تضاد است؟ (۵)

آلدولتو پلد برای اولین بار در ۱۹۴۹ شرحی، تحت عنوان "اخلاق زمینی" بر اخلاق محیط زیست نوشت. او در این مقاله خاطر نشان کرد که مسائل را نباید فقط بر اساس ارزش اقتصادی آن بسنجیم، چرا که اهمیت مسائل از دیدگاه زیست محیطی کمتر از مسائل اقتصادی نیست. (۲) پس از آن مباحث مربوط به اخلاق و فلسفه زیست محیطی به صورت پراکنده ادامه یافت. با توجه به حاد شدن مسائل زیست محیطی در امریکا و عدم موفقیت برنامه های مختلف این کشور در خصوص کنترل آلاینده های منتشره از سوی

بسیاری از واحدهای صنعتی در سال ۱۹۷۹ میلادی طرفداران محیط زیست از فیلسوفان امریکایی درخواست کردند که در زمینه اخلاق زیست محیطی فعالیت جدی خود را آغاز کنند. (۶)

مکاتب مختلف اخلاقی در جهان

از آنجا که نوع دیدگاهی که در اخلاق زیست محیطی وجود دارد مبتنی بر نظریه های اخلاقی است، لذا ضروری است ابتدا به بیان مکاتب مختلف اخلاقی پرداخته شود.

مکتب جهانشمولی اخلاق (یونیورسالیسم): اولین سوال که در علم اخلاق مطرح می شود این است که "آیا اصول اخلاقی جاودانی وجود دارد که صرف نظر از فرهنگ، تاریخ، یا دین، به طور عینی معتبر باشد یا نه". پاسخ دادن به این سوال بستگی به دیدگاه فلسفی فرد دارد. جهان شمول گرایان (یونیورسالیستها)، نظیر افلاطون معتقدند که اصول اخلاقی کلی، ازلی و تغییر ناپذیرند؛ یعنی صدق و کذب قوانین اخلاقی صرف نظر از علایق و موقعیتهای مختلف اعتبار دارد. بعضی اعتقاد دارند که این اصول اخلاقی توسط خدا وحی شده است. در حالی که عده ای دیگر معتقدند این اصول را از طریق عقل می توان تشخیص داد. (۴) و (۵) بر طبق این دیدگاه می توان اصول اخلاق زیست محیطی معینی را نیز استنباط کرد.

دیدگاه نسبی گرایانه (رلویتیسیم): نسبی گرایان مانند سوفسطائیان، که مخالف افلاطون بودند، ادعا می کردند که اصول اخلاقی نسبی هستند و نسبت به شخص، جامعه و موقعیت تفاوت می کنند. هر چند ممکن است این اصول درست یا غلط باشند، یا حداقل بهتر و بدتر باشند، ولی هیچ اصل متعالی و مطلق وجود ندارد. نیچه بر آن است که تصور یک دستگاه اخلاقی یکسان و مطلق را باید به دور افکند و به جای آن باید تصور رده بندی گونه های مختلف اخلاق را گذاشت. در خصوص نسبی گرایی، این سوال را می توان مطرح کرد که اگر هر عقیده ای اعتباری یکسان دارد، چطور می توانیم بهترین آن را انتخاب کنیم؟ در حوزه اخلاق و فلسفه زیست محیطی این سوالات مطرح می شود: "آیا طبیعت آن چیزی است که ما درباره آن فکر می کنیم؟"؛ "آیا ما طبیعت دست نخورده را می توانیم با طبیعت دست دوم ساخت بشر، عوض کنیم؟"؛ "آیا اصول اخلاقی مطلق در ارتباط با طبیعت وجود دارد و یا هر چیزی نسبی و ذهنی است؟". (۳) و (۴) و (۵)

دیدگاه بوچ گرایی (نهیلیسم): فیلسوفانی نظیر شوپنهاور ادعا می کنند که دنیا به طور کلی معنایی ندارد. همه چیز اتفاقی است. هیچ معنا و هدفی در زندگی نیست. بر طبق این عقیده هیچ دلیلی برای اخلاقی عمل کردن نیست. فقط قدرت می تواند حق باشد. " بخور یا خورده می شوی". چیزی به اسم زندگی خوب وجود ندارد. ما در یک دنیای پر از درد زندگی می کنیم. سرچشمه اصلی بدیهایی که انسان از آن رنج می برد، انسان است. انسان گرگ انسان است. شادکامی یعنی رهایی از یک رنج، از یک خواسته و در حقیقت چیزی است منفی، نه مثبت. (۵) و (۷) طبیعی است در چنین دیدگاهی وقتی فضیلت اخلاقی وجود نداشته باشد جایگاهی برای اخلاق زیست محیطی نیز باقی نمی ماند.

دیدگاه اصالت سود (یوتیلاریسم): بر طبق دیدگاه اصالت سود که از فیلسوف انگلیسی جرمی بنتام نشأت گرفته است، عملی درست است که دارای بیشترین سود برای بیشترین تعداد بشر باشد. بنام خیر را با سعادت و سعادت را با لذت برابر می دانست. بنابراین زندگی خوب، زندگی با کسب بیشترین لذت است. در دیدگاه او تا آنجا که به اخلاقی بودن آدمیان مربوط می شود ما باید بیشترین لذت را برای بیشترین افراد تولید کنیم. اصالت سود توسط جان استوارت میل تعدیل شد. میل معتقد بود لذت عقلانی برتر از لذت جسمانی است و بالاترین لذت آموزش و عمل بر طبق اصول انسانی است. این آموزه، الهام بخش گیفرد و حافظان اولیه منابع طبیعی شد. آنها اینطور استدلال می کردند که "هدف از حفظ منابع طبیعی حفظ بیشترین منابع برای رساندن بیشترین خیر به بیشترین تعداد، برای طولانی ترین مدت است". (۵) و (۸)

مدرنیسم و پست مدرنیسم: دیدگاههای جهانی مدرنیستی بیشتر مبتنی بر نظریه هایی درباره عقل است که در فلسفه قرن هفدهم، رنه دکارت، فرانسیس بیکن و دانشمندانی مانند نیوتون وجود داشت. این فیلسوفان امیدوار بودند که قوانین کلی اخلاق را بتوانند از

طریق علم تجربی - که هم اجازه کنترل بر طبیعت و هم فهم خویشتن و دنیای اطرافمان را می دهد - به دست بیاورند. آنها معتقد بودند، نتیجه این فلسفه پیشرفت اخلاق، عدالت جهانی و در نهایت خوشبختی تمام انسانهاست. فلسفه دکارت بر مبنای اصالت "من"، یعنی فاعل شناسا بنا شده بود. در مدرنیسم عقل توانایی حل هرگونه مشکلی را دارد. اما این عقل در حد عقل ریاضی و یا به تعبیری در حد عقل معاش است. به این معنا که برای تدبیر امور زندگی و دنیایی مفید است.

وقایعی که در قرن بیستم رخ داد، بخصوص جنگهای وحشتناک جهانی، که ناشی از آزادی بیش از حد فردی، خودخواهی و خود پرستی و لذت طلبی بود، در نهایت باعث نومیدی مردم از مدرنیسم شد. پست مدرنیست ها ادعا می کنند که هیچ فلسفه کلی وجود ندارد. آنها در خصوص تعریف قالبی و سنتی مفاهیمی مانند، "حقیقت"، "واقعیت" و "معنا" شک می کنند. مطابق این دیدگاه، واقعیت در بحث و گفتگو آشکار می شود. ما هرگز نمی توانیم به چیزی به طور صریح پی ببریم. در اینجا سوالی مطرح می شود که آیا این دیدگاه در اخلاق زیست محیطی نیز تأثیر دارد؟ طبق دیدگاه پست مدرنیستها، طبیعت و یا حداقل درک ما از طبیعت، "قراردادی" است. چرا که اگر از مردم مختلفی پرسید طبیعت چیست، پاسخهای متفاوتی دریافت خواهید کرد. مثلا طبیعت برای فرد شهرنشین ممکن است یک پارک معنا بدهد و برای یک روستایی مزرعه. در نظر پست مدرنیستها هیچ کدام از این تعریفها برتر از تعریف دیگر نیست (۵).

دیدگاههای جهانی در خصوص اخلاق و فلسفه زیست محیطی

فلاسفه با مسائلی مانند معنای مفاهیمی که مردم در گفتگوهای اخلاقی خود به کار می برند نیز سر و کار دارند. به عنوان نمونه اصطلاح "ارزش" می تواند به دو نوع ذاتی و ابزاری تقسیم شود. ارزش ذاتی عبارت است از ارزش غیرابزاری یا ارزشی که برای چیزی نه به لحاظ فایده مندی آن که به خاطر نفس آن چیز قائل می شویم. در ارزش ابزاری شیء، ارزش خود را فقط به خاطر بهره ای که به دیگران می دهد می گیرد. (جان بن سن، ۱۳۸۲) یکی دیگر از مباحث در این رشته بحث در خصوص حقوق است که شامل حقوق انسانها، حیوانات، گیاهان و حتی موجودات بی جان مانند سنگ و صخره می شود. رنه دکارت معتقد بود که فقط انسانها واجد نفس هستند و موجودات دیگر حتی حیوانات، تنها جسم و لذا فاقد هر گونه احساسی هستند. (۹).

نحوه برخورد و دیدگاهی که نسبت به طبیعت و محیط زیست وجود دارد، ناشی از نوع تفکر انسانها در خصوص مبانی فلسفی و اخلاقی - که شرح مختصری از آن گذشت - می باشد. دیدگاههای جهانی در خصوص اخلاق و فلسفه زیست محیطی مختصرا به شرح ذیل است:

دیدگاه مسئولانه: بسیاری از جوامع بومی (مانند بومیانی که در جنگل زندگی می کنند یا اسکیموها) به طور فطری به خاطر نیازی که به طبیعت دارند، در برابر آن احساس مسئولیت می کنند. در این نظریه، هم انسان واجد اهمیت است و هم طبیعت اطراف آن. در این دیدگاه، استفاده از طبیعت به کمک ابزار در حد معقول است و نه اینکه طبیعت به تخریب کشیده شود؛ مثلا اسکیموها در حد نیاز غذایی ماهی شکار می کنند و کاری به شکار بی جای گونه ها ندارند. (۵)

دیدگاه اصالت دهنده به حیات (بایوسنتریک) و بوم (اکوسنتریک): در دیدگاه اصالت دهنده به حیات (بایوسنتریک)، گونه های مختلف گیاهی و حیوانی از اصالت ویژه ای برخوردار است. چیزی ارزش دارد که بتواند پایداری و زیبایی یک اجتماع زنده را حفظ کند. به عبارت دیگر تنوع زیستی بالاترین ارزش اخلاقی را در محیط زیست دارد. انسان نیز به عنوان یکی از گونه های موجود در محیط زیست در این دیدگاه مطرح است. شاید بتوان مساله حقوق حیوانات را بخشی از این دیدگاه برشمرد. در دیدگاه اصالت دهنده به بوم (اکوسنتریک)، به کل اکولوژی اصالت داده می شود و تمام فرایندهای موجود در اکولوژی مانند تطابق، جهش و سیکل بیوژنوشیمیایی اهمیت دارد و اکوسیستم به طور کلی محترم شمرده می شود (۵).

دیدگاه انسانمدارانه: بسیاری از انسانها در طول تاریخ بشر را به دلایلی همچون دارا بودن هوش و خلاقیت دارای موقعیتی ویژه دانسته اند. بر این اساس انسان را دارای حق و ارزش منحصر به فردی می دانند. افراط در این نوع تفکر به از بین بردن و تخریب محیط زیست می انجامد؛ چرا که در این دیدگاه طبیعت ابزاری در دست انسان است که به هر گونه که بخواهد می تواند در آن تصرف کند.

ریچارد روتلی - فیلسوف و محیط زیست شناس استرالیایی - معتقد بود به یک اخلاق زیست محیطی نیاز است، چرا که سنت اخلاقی مسلط در جهان غرب بر این باور است که فقط انسانها دارای موقعیت اخلاقی مستقل هستند. از این عقیده به عنوان "انسان مرکزی" یاد می شود. روتلی می گوید بر طبق فلسفه لیبرال جهان غرب هر کس باید قادر باشد آنچه را که دوست دارد انجام دهد مشروط بر آن که موجب آزار و زیان دیگران نشود و به خود آسیبی جبران ناپذیر وارد نسازد. (۳)، (۵)

دیدگاه خداپاورانه: خداپاوران میان دو الگوی سلطه و سرپرستی برای مسئولیت محیط زیست فرق می گذارند. بنابر الگوی سلطه انسان ها شایسته تر از دیگر حیوانات اند و حقوقی بیشتر از آنها دارند. در افراطی ترین تقریر از الگوی سلطه طبیعت فاقد هرگونه ارزش ذاتی است و به لحاظ اخلاقی در حد ذات خود موضوعیت ندارد. تنها موضوعیت آن به لحاظ تأثیر طبیعت بر انسانهاست. در بیان معتدل تر پاره ای خجرات در طبیعت وجود دارد اما به اندازه غایات بشری اهمیت ندارد. الگوی سلطه طبیعت را دارای ارزش ابزاری می داند اما الگوی سرپرستی طبیعت را هم دارای ارزش ذاتی و هم ابزاری می داند. در نظام اخلاقی مبتنی بر الگوی سرپرستی انسان نباید فقط از محیط زیست بهره برداری کنند بلکه باید مراقب آن نیز باشند. بنا بر این دیدگاه ممکن است هنوز انسان ها به نوعی برتر از دیگر موجودات زنده باشند و در عین حال دیگر موجودات زنده به دلیل ارزش و اهمیت ذاتی خود اخلاقاً شایسته حفظ و حمایت تلقی شوند.

مشکل ترین بحث ها در بین خداپاوران در خصوص جایگاه حیوانات است. بر طبق نظریه فردنگری این فرد است که در نظام ها ارزشمند است و ارزش اکوسیستم ها به دلیل افراد زنده ای است که در آنها قرار دارند. بعلاوه برخی از حیوانات (مثلا پستانداران پیشرفته) به نظر می رسد دارای حق حیات هستند و نباید به آنها آسیب رساند. بنابر رویکرد کل گرایانه به محیط زیست، حیوانات و دیگر خیرات طبیعی مانند صحنه های حیات وحش را باید به صورت نظام های طبیعی و پیچیده مورد ارزیابی قرار داد. آدلوتو پلد که هم خداپاور است و هم طرفدار محیط زیست، از این موضع دفاع می کند که یک موجود زنده در صورتی بر حق است که مستعد حفظ انسجام، ثبات و جمال محیط زیستی باشد و در صورتی ناحق است که مستعد جز این باشد. این موضع به صورت نشان شاخص به اصطلاح نهضت بوم شناختی "ژرفا نگر" همراه با تفسیر آن از کل حیات به عنوان یک اجتماع در آمده است. خداپاوران طرفدار این منظر نظام یافته وسیع گاهی موضع خویش را موضعی حیات محورانه، کل نگرانه یا زیست محورانه توصیف می کنند. این موضع بر این مبنا مورد دفاع قرار گرفته است که می تواند تبیینی بهتر درباره تنوع انواع عرضه کند و طرح و تدبیری غنی و قابل دفاع برای حیات وحش به دست دهد. فردگرایان نمی توانند تبیین کنند که چرا ما اغلب وجود انواع متعدد و نه صرف افراد بیشتر را مطلوب می دانیم. و فردگرایان ممکن است مجبور به مداخله ای کاملاً ستیزه جویانه و افراطی در فرایندهای طبیعی شوند. اگر رنج و محنت حیوانات بد است آیا ما وظیفه ای برای جلوگیری از شکار حیوانات نداریم؟ ولی عمل به چنین وظیفه ای ظاهر مستلزم مداخله ی کلان در عادات حیوانات است. (۱۰)

خداوند در قرآن کریم از منابع موجود در طبیعت به عنوان احکام و شرع خود نام می برد و هرگونه نافرمانی و تعدی به این حرم را مجاز نمی شمارد. در آیه ۸ سوره الرحمن می فرماید: "الا تطغوا فی المیزان" ای بندگان هرگز در میزان عدل (احکام و شرع من) تعدی و نافرمانی نکنید. پس به اینگونه برداشت می شود که اصل بهره وری مناسب در قرآن کریم هم توصیف شده است (۱۱). از دیدگاه دین اسلام، انسان حق ضرر رساندن به محیط زیست را ندارد و به نوعی باید حافظ آن باشد. به عنوان مثال در آزار رساندن به حیوانات، شکار بی مورد حیوانات، قطع بی مورد درختان و اموری از این دست گناه شمرده می شود.

اخلاق مهندسی و کدهای مربوط به آن

یکی از مباحثی که اخیراً مطرح شده است، بحث اخلاق مهندسی است. هر چند در بدو امر چنین به نظر می رسد که اخلاق و مهندسی دو حوزه کاملاً مجزا از هم هستند، (یکی به حوزه علوم انسانی تعلق دارد و دیگری به حوزه علوم ریاضی و فنی) اما نمی توان منکر اهمیت اخلاق در مهندسی شد. از آنجا که مهندسان در پیشرفت صنعتی هر کشور نقش بسزایی دارند بدیهی است نمی توان بدون آموزشهای لازم _ اعم از آموزشهای اخلاقی در خصوص محیط زیست و غیره _ به توسعه پایدار دست یافت. همان طور که در قسمتهای پیشین مشخص شد، پاسخگویی به اینکه چه چیز اخلاقی است یا اخلاقی نمی باشد، ساده نیست. در زندگی روزمره هر کس یک مجموعه قواعد شخصی وجود دارد که به آن اعتقاد دارد. به عنوان نمونه اینکه: "به گونه ای رفتار کنیم که باعث آزار دیگران نشویم یا دروغ نگوییم". اما تبعیت از این دو قانون ساده، در زندگی روزمره گاهی امکان پذیر نیست. مسائلی چون

سود و صرفه اقتصادی باعث می شود که افراد این دو اصل اخلاقی را به فراموشی بسپارند (۲). لذا در سالهای اخیر توجه بسیاری از متخصصان، به کدهای اخلاقی معطوف شده است. به عنوان نمونه می توان به کدهای اخلاق مهندسی ارایه شده توسط موسسات معتبر مانند انجمن مهندسان عمران آمریکا اشاره نمود. (۱۲)

در بسیاری از علوم مهندسی قوانین رفتاری تعیین شده است. به عنوان مثال به مهندسان نصیحت می شود که با عامه مردم، شامل کارگران و مشتریان، صادق باشند و همواره سعی خود را برای بالابردن رفاه عموم مردم به کار گیرند و به بهداشت، رفاه و ایمنی مردم اهمیت دهند. اگرچه رعایت این قوانین به مهندسان، توصیه می شود، اما باید در نظر گرفت، افزایش آگاهی های فردی نسبت به مسائل اخلاق زیست محیطی نقش والاتری را ایفا می کند.

نتیجه گیری

نقش مهم اخلاق و فلسفه زیست محیطی در جهان امروز قابل تردید نیست. در کشور ما در نظر نگرفتن مسائل زیربنایی محیط زیست مانند اخلاق و فلسفه زیست محیطی، باعث ضررهای جبران ناپذیری می شود. اما مساله مهم این است که جامعه ما با توجه به اینکه جامعه ای در حال توسعه محسوب می شود، و از طرف دیگر یک جامعه دینی (معتقد به دین مبین اسلام) قطعاً نمی تواند مقلدانه شیوه ای که غربیان (و یا شرقی ها) در این خصوص به کار برده اند و برایشان نتیجه بخش بوده برگیرد. در این میان کارشناسان و متخصصان می بایست در فکر راه حل های ویژه و جامع باشند و از تجارب دیگران به نحو مفید بهره بگیرند.

در بین مکاتبی که ذکر آن رفت، با مکاتبی مواجه می شویم که دچار افراط و تفریط شده اند. از طرفی مکاتبی معتقد به ارزش ذاتی طبیعت، حتی برای موجودات بی جان هستند، و از طرف دیگر مکاتبی انسان را مجاز به هرگونه دخل و تصرف در جهان طبیعت می دانند. به نظر می رسد دیدگاه متعادل همان دیدگاه قرآنی است که از یک طرف انسان را خلیفه خدا بر روی زمین می داند و لذا معتقد است خداوند همه چیز را برای انسان خلق کرده است، (از جانداران گرفته و تا معادن، جنگلها و ...). و از طرف دیگر انسان را امانتدار خداوند می داند؛ یعنی چیزی که خداوند به انسان عطا کرده، به عنوان امانتی است که مانند هر امانت دیگر می بایست به خوبی نگاهداری شود.

به هر تقدیر این مقاله معرفی اخلاق و فلسفه محیط زیست و خاطرنشان کردن اهمیت آن به کارشناسان و صاحب نظران است تا این در این زمینه به تحقیق و پژوهش کافی بپردازند تا پروژه های فنی و مهندسی بر مبنای نظری درستی استوار باشد.

منابع مورد استفاده

- 1) Sincero A. P., Sincero G. A. (1995), Environmental Engineering: A Design Approach, Prentice Hall Publisher,
- 2) Lagrega M. D., Buckingham P. L., J. C. Evans (2000), Hazardous Waste Management, 2nd edition, McGraw-Hill publisher
۳. بن سن، جان؛ ۱۳۸۲؛ اخلاق زیست محیطی؛ ترجمه محمد مهدی رستمی شاهرودی، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
۴. کاپلستون، فریدریک؛ ۱۳۶۸؛ تاریخ فلسفه ج ۱؛ ترجمه جلال الدین مجتبیوی؛ انتشارات سروش.
- 5) Cunningham W. P., Cunningham M.A., Saigo, B.W. (2003) Environmental Science, a global concern, 7th edition, McGraw- Hill higher education
- 6) <http://www.cep.unt.edu/novice.html>, Access date: 2006

۷. کاپلستون، فریدریک؛ ۱۳۶۷؛ تاریخ فلسفه ج ۷؛ ترجمه داریوش آشوری؛ انتشارات سروش.

۸. کاپلستون، فریدریک؛ ۱۳۷۰؛ تاریخ فلسفه ج ۸؛ ترجمه بهاءالدین خرمشاهی؛ انتشارات سروش.

۹. کاپلستون، فریدریک؛ ۱۳۸۰؛ تاریخ فلسفه ج ۴؛ ترجمه غلامرضا اعوانی؛ انتشارات سروش .

۱۰. الیا فرو، چارلز. ۱۳۸۲؛ فلسفه دین در قرن بیستم؛ ترجمه انشاء الله رحمتی؛ دفتر پژوهش و نشر سهرودی.

۱۱. سید مهدی امینی نسب، ۱۳۷۹، قرآن و محیط زیست، مجله محیط زیست، شماره ۳۳، سال ۱۳۷۹، ..

12) <http://www.asce.org/inside/codeofethics.cfm>, Access date: 2006

Environmental ethics and philosophy and its role in the present world

Mohammad Reza Alavi Moghaddam¹, Azam Ghasemi²

¹Associate Professor, Department of Civil and Environmental Engineering, Amirkabir University of technology

²Researcher, Research center of human sciences and cultural studies, Tehran, Iran,

Abstract: Nowadays, the management of environmental issues such as hazardous waste is not simply a technical problem, but is confounded by legal, social, political and even ethical considerations. Environmental ethics asks about the moral relationships between humans and the world around us. Due to important issues of our present world, the understanding of main principles of environmental ethics and philosophy is become essential for all specialists who are working at different fields. The environmental issues cannot be solved without the help of all people specially managers and engineers. The main aim of this paper is to compare different ethical perspectives regarding to our environment. In this paper, different ethical perspectives including humanisms, biocentrism (life-centered), ecocentrism (eco-centric), utilitarianism are briefly explained. In addition, the point of view of religious regarding to environment is briefly discussed. Humanism claims that we are unique because of our intelligent, foresight and creativity and on the other hand, eco-centrism claims that all ecological processes and systems have intrinsic values and right regardless of whether they are useful to us. Furthermore, the importance and role of the Codes of Ethics for engineers, which are adopted by several professional associations, are described in the paper.

Key words:

Environmental ethics and philosophy, Ethical values, Codes of ethics, Environmental issues

